MEJDS. 2017;7:3 :
Published online 2017 Apr. **Research Article**

Prediction of Behavior Problems of Students with Learning Disabilities Based on Parents' child rearing Style

Hamideh Lashgari[1], *Ghorban Hemati Alamdarloo[2]

Authors:
1. MA in Special Education, University of Shiraz, Fars Province, Iran;
2. PhD of Special Education, Associated professor at University of Shiraz, Fars Province, Iran.
***Corresponding Author's Address:** University of Shiraz, Fars Province, Iran.
***Tel:** 09126234096
***Email:** ghemati@shirazu.ac.ir

Recived: 2015 August 1 **Accepted:** 2015 September 6

Abstract

Objectives: Child rearing style of parents influences the behavior of students with learning disabilities. So, the purpose of the present study was to predict behavior problems of students with learning disabilities based on parents' child rearing style.

Methods: The sample consisted of parents of 150 children with learning disabilities attending special centers in Shiraz during the academic year in 2012-2013. The sample was selected by multi stage cluster random sampling. Short form of Conners rating scale and the Robinson, Mandlece, Olsen, and Hart Parenting Styles Questioner were used in this research. Both scales were completed by parents of students with learning disabilities. The statistical methods of Pearson correlation and multi regression analysis were applied to analyze the data.

Results: The results of this study revealed that there is a significant and positive correlation between authoritarian and permissive parenting style and behavioral problems (Conduct Problems, Psychosomatic, Anxious Passive and Social Problems) of students with learning disabilities (p=0.001). No significant correlation, however, was observed between authoritative parenting style and behavioral problems of students with learning disabilities. Also Multiple regression analysis showed that permissive parenting style is the most important factor in predicting behavioral problems in students with learning disabilities (p=0.001).

Conclusions: Based on the findings of this study, it can be concluded that one of the main causes of behavioral problems among students with learning disabilities is probably due to the use of authoritarian and permissive parenting style by parents.

Keywords: Behavioral Problems, Parenting Styles, Learning Disabilities.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]

Copyright © 2016, MEJDS. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله مطالعات ناتوانی ۱۳۹۶؛ (۷): ۳

انتشار برخط فروردین ۱۳۹۶ مقاله پژوهشی اصیل

پیش‌بینی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری براساس سبک فرزندپروری والدین

حمیده لشگری[۱]، *قربان همتی علمدارلو[۲]

نویسندگان:
۱. کارشناس ارشد روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشگاه شیراز، استان فارس، ایران؛
۲. دکتری روان‌شناسی و آموزش کودکان استثنایی، دانشیار دانشگاه شیراز، استان فارس، ایران.
آدرس نویسندهٔ مسئول: شیراز، میدان ارم، دانشگاه شیراز، دانشکدهٔ علوم تربیتی و روان‌شناسی، بخش آموزش کودکان استثنایی.
***تلفن:** ۰۹۱۲۶۲۳۴۰۹۶؛
***رایانامه:** ghemati@shirazu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۰ مردادماه ۱۳۹۴؛ **تاریخ پذیرش:** ۱۵ شهریورماه ۱۳۹۴

چکیده

زمینه و هدف: سبک فرزندپروری والدین بر رفتار دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری تأثیر می‌گذارد. به‌همین‌دلیل هدف از پژوهش حاضر پیش‌بینی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری براساس سبک فرزندپروری والدین آن‌ها بود.

روش‌بررسی: جامعهٔ آماری پژوهش شامل همهٔ والدین دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری بود که فرزندان‌شان در سال تحصیلی ۹۲ـ۱۳۹۱ در مراکز ویژهٔ ناتوانی‌های یادگیری شهر شیراز به تحصیل اشتغال داشتند. نمونهٔ پژوهش شامل ۱۵۰ نفر از والدین دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری شهر شیراز بودند که به‌روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای انتخاب شدند. به‌منظور گردآوری داده‌ها از دو پرسشنامهٔ مشکلات رفتاری کانرز، فرم کوتاه ویژهٔ والدین و پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری رابینسون، ماندلکو، السن وهارت استفاده شد. برای تحلیل داده‌ها از روش‌های ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

یافته‌ها: نتایج حاصل از این پژوهش نشان داد که بین سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه والدین با مشکلات رفتاری (مشکلات سلوک، اضطراب‌خجالتی، روان‌تنی و مشکلات اجتماعی) دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد (p=۰/۰۰۱). همچنین بین سبک فرزندپروری اقتداری با مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری همبستگی معناداری مشاهده نشد. همچنین تحلیل رگرسیون چندمتغیره برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه مهم‌ترین پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات رفتاری در این دانش‌آموزان است (p=۰/۰۰۱).

نتیجه‌گیری: بر اساس یافته‌های این پژوهش می‌توان گفت که احتمالاً یکی از دلایل اصلی مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری به‌دلیل استفادهٔ والدین از سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه است.

کلیدواژه‌ها: مشکلات رفتاری، سبک فرزندپروری، ناتوانی‌های یادگیری، والدین.

حق انتشار محفوظ است © ۱۳۹۵، مجله مطالعات ناتوانی. این یک مقاله با دسترسی آزاد است که تحت مجوز اختیارـ غیرتجاری ۴/۰ بین‌المللی (https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/deed.fa) منتشر شده است که به شما اجازه می‌دهد که مواد منتشر شده در این مقاله را با شرط ارجاع مناسب به نسخهٔ اصلی، به‌طور غیرتجاری نسخه‌برداری و توزیع کنید.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]

۱ مقدمه

دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری[2] یکی از گروه‌های بسیار رایج افراد با نیازهای ویژه هستند. این افراد گروه بسیار ناهمگنی را تشکیل می‌دهند که با وجود هوش متوسط و بالاتر، در یک یا چند حیطهٔ تحصیلی مشکلات جدی دارند و مشکلات تحصیلی آن‌ها از آسیب‌های حسی و حرکتی، کم‌توانی‌ذهنی و محرومیت‌های محیطی ناشی نمی‌شود (۱). این کودکان زمانی‌که به مدرسه می‌روند تا خواندن، نوشتن و حساب یاد بگیرند، دچار مشکلات جدی می‌شوند و به‌تدریج در می‌یابند که سایر کودکان از نظر تحصیلی بهتر از آن‌ها هستند (۲). این کودکان در واکنش به عدم موفقیت تحصیلی خود مشکلات اجتماعی، هیجانی و رفتاری بروز می‌دهند (۳). درهمین‌راستا، دیسو ن[3] بیان می‌کند که دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری شایستگی‌های اجتماعی کمتری در مقایسه با خواهران و برادران خود دارند و شکایت‌های جسمی و مشکلات رفتاری بیشتری را بروز می‌دهند (۴). همچنین تکلوی نیز گزارش می‌دهد که این دانش‌آموزان در مخاطرهٔ مشکلات اجتماعی بیشتری قرار دارند، مشکلات رفتاری بیشتری از خود نشان می‌دهند و نمی‌توانند خود را با دستورالعمل‌های موجود در کلاس عادی تطبیق دهند (۵). همسو با یافته‌های بیان‌شده، شهیم در پژوهشی به این نتیجه رسیده است که کودکان با ناتوانی‌های یادگیری بیشتر از کودکان عادی در خانه دارای مشکلات رفتاری درون‌نمود و برون‌نمود هستند (۶). افزون بر پژوهش‌های یادشده، دیسون کودکان با ناتوانی‌های یادگیری را در بافت خانوادگی‌شان مطالعه کرده و گزارش می‌کند که والدین این کودکان معتقدند، فرزندانی که ناتوانی یادگیری دارند، در مقایسه با خواهران و برادران عادی‌شان مشکلات رفتاری بیشتری را بروز می‌دهند (۴).

به‌طورکلی با وجود اینکه دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری در مخاطرهٔ مشکلات رفتاری و عاطفی بیشتری قرار دارند اما والدین این دانش‌آموزان که اغلب از دلایل اختلال یادگیری آن‌ها بی‌خبر هستند، مشکل را بیشتر کرده و با فشارهایی که به کودک وارد می‌آورند، دشواری را چندین برابر می‌نمایند (۲). برای مثال در اوایل ورود به مدرسه فرزندان خود را باهوش تصور می‌کنند و انتظار دارند که در امور درسی به موفقیت‌های عالی دست یابند و محدودیت‌های آن‌ها را نادیده می‌گیرند و زمانی‌که در واقعیت، فرزندان مطابق میل آن‌ها رفتار نمی‌کنند، به کودک بی‌توجهی می‌کنند یا شیوهٔ تربیتی نامناسبی را به‌کار می‌گیرند و این شرایط به‌تدریج زمینه‌ساز مشکلات عاطفی و رفتاری در کودکان می‌شود (۷). در تأیید این موضوع تکلوی بیان می‌کند که این دانش‌آموزان اغلب در خانواده‌هایی هستند که پیوند گرم و صمیمی میان والدـ فرزند برقرار نیست و گاهی والدین فرزندان را تحقیر کرده و از تنبیه فیزیکی استفاده می‌کنند (۵). در راستای پژوهش‌های یادشده، دیسون در پژوهشی به این نتیجه رسید که مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری با تنیدگی فراگرفته‌شدهٔ والدین از اختلال کودک‌شان مرتبط است و کودکانی که مشکلات رفتاری بیشتری بروز می‌دهند، والدینی دارند که سطح بالایی از تنیدگی را نشان می‌دهند (۴).

همچنین تکلوی معتقد است که بسیاری از دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری در خانواده‌های مناسبی پرورش نیافته و رابطهٔ عاطفی خوبی را با والدین خود برقرار نکرده و بیشتر در معرض بی‌مهری والدین خود قرار می‌گیرند (۵). به‌طورکلی، والدین کودکانی که دچار اختلال هستند، چالش‌های بیشتری در پرورش کودکان خود دارند و بیشتر از والدینی که کودک عادی دارند دچار اختلال در عملکرد و شیوه‌های فرزندپروری‌شان هستند (۸). در تأیید این موضوع، رضوی، محمودی و رحیمی در پژوهشی به این نتیجه رسیده‌اند که استفاده از سبک‌های فرزندپروری سهل‌گیرانه پیش‌بینی‌کنندهٔ قوی مشکلات رفتاری در کودکان است (۹). هماهنگ با پژوهش‌های بیان‌شده، ویتنبورن[4] نیز در پژوهشی به این نتیجه رسید که سبک استبدادی و سهل‌گیرانه با میزان بیشتری از رفتار بزهکارانه رابطه دارد و همچنین سبک اقتداری با کاهش مشکلات رفتاری همراه است (۱۰). افزون بر این‌ها، جاو و همکاران نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که مشکلات رفتاری کودکان همبستگی مثبتی با تنبیه فیزیکی دارد (۱۱). فینزی و همکاران نیز در پژوهشی به این نتیجه رسیدند که فرزندپروری منفی، پرخاشگری و اختلال سلوک را تشدید می‌کند (۱۲). با توجه به یافته‌های یادشده می‌توان گفت که الگوی رفتاری و سبک فرزندپروری والدین بر رفتار فرزندان تأثیر می‌گذارد.

باوجوداین، اگرچه پژوهش‌هایی در زمینهٔ سبک‌های فرزندپروری و مشکلات رفتاری به‌صورت جداگانه و بر روی سایر گروه‌های کودکان با نیازهای ویژه صورت گرفته است ولی بر اساس بررسی‌های انجام‌شده، پژوهشی در زمینهٔ پیش‌بینی مشکلات رفتاری براساس سبک فرزندپروری والدین در دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری در ایران ملاحظه نشد. ازاین‌رو، پژوهش حاضر در نظر داشت این خلأ را پر کرده و به نقش سبک‌های فرزندپروری، به‌عنوان عاملی پیش‌بینی‌کننده در مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری، توجه کند. به‌همین‌دلیل، هدف پژوهش حاضر پیش‌بینی ابعاد مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری براساس سبک فرزندپروری والدین آن‌ها بود.

۲ روش‌بررسی

پژوهش حاضر توصیفی‌تحلیلی از نوع همبستگی بود که در آن پیش‌بینی مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری براساس سبک‌های فرزندپروری والدین بررسی شد. جامعهٔ آماری پژوهش شامل همهٔ والدین دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری بود که فرزندان‌شان در سال تحصیلی ۹۲ـ۱۳۹۱ در مراکز ویژهٔ ناتوانی‌های یادگیری در شهر شیراز به تحصیل اشتغال داشتند. برای انتخاب نمونه‌های این پژوهش

[2]. learning disabilities
[3]. Dyson
[4]. Wittenborn

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]

از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای استفاده شد. ۱۵۰ نفر از والدین دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری از این طریق انتخاب شدند. بدین‌منظور دو منطقه از چهار منطقهٔ آموزشی شهر شیراز به‌طور تصادفی انتخاب شد. سپس از هر یک از مناطق انتخاب‌شده، یک مرکز به‌طور تصادفی انتخاب گردید و همهٔ والدین دانش‌آموزان آن مراکز به‌عنوان نمونه در نظر گرفته شدند.

در این پژوهش جهت اندازه‌گیری متغیرهای مدنظر از پرسشنامهٔ مشکلات رفتاری کانرز[5] فرم کوتاه ویژهٔ والدین و پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری رابینسون، ماندلکو، السن وهارت[6] استفاده شد. پرسشنامهٔ مشکلات رفتاری کانرز فرم کوتاه ویژهٔ والدین، توسط کیت کانرز در سال ۱۹۷۸ ساخته شده و در سال‌های بعد تجدیدنظر گردید. این پرسشنامه دارای ۴۸ گویه است و توسط والدین تکمیل می‌شود. نمره‌گذاری براساس مقیاس لیکرت ۴ گزینه‌ای (تقریباً هرگز=۰، گاهی=۱، اغلب اوقات=۲، تقریباً همیشه=۳) است. کمترین نمره در این آزمون ۰ و بیشترین نمره ۱۴۴ است. برای تعیین روایی پرسشنامهٔ مذکور در ایران شهیم و همکاران از تحلیل عامل با مؤلفه‌های اصلی و به‌دنبال آن چرخش واریماکس و ابلیمین برای شناسایی ساده‌ترین ساختار عاملی استفاده کردند. ضرایب همبستگی بین زیرمقیاس‌ها و نمرهٔ کل بین ۰/۷۶ (زیرمقیاس اضطراب‌خجالتی) تا ۰/۹۰ (زیرمقیاس سلوک) متغیر است و تمامی ضرایب در سطح ۰/۰۰۰۱ معنادار است (۱۳). جهت به‌دست‌آوردن پایایی بازآزمایی، پرسشنامه بعد از ۴ تا ۶ هفته، مجدداً به والدین داده شده و ضرایب همبستگی بازآزمایی برای نمرهٔ کل ۰/۵۸ و برای زیرمقیاس‌های مشکلات روان‌تنی، مشکلات سلوک، اضطراب‌خجالتی و مشکلات اجتماعی به‌ترتیب ۰/۷۶، ۰/۶۴، ۰/۶۲ و ۰/۴۱ به دست آمده است (۱۳). در این پژوهش، روایی با استفاده از همبستگی نمرهٔ هر خرده‌مقیاس با نمرهٔ کل محاسبه شد. درمجموع همهٔ ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. ضرایب همبستگی از ۰/۷۳ (اضطراب‌خجالتی) تا ۰/۸۵ (سلوک) متغیر بود. پایایی از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضرایب آن از ۰/۶۷ (اضطراب‌خجالتی) تا ۰/۸۳ (سلوک) متغیر بود. پرسشنامهٔ سبک‌های فرزندپروری به‌منظور ارزیابی شیوه‌های فرزندپروری والدین توسط رابینسون، ماندلکو، السن وهارت در سال ۱۹۹۵ ساخته شده است و توسط علیزاده به فارسی ترجمه شد (۱۴). این پرسشنامه دارای ۳۲ سؤال در مقیاس لیکرت پنج‌درجه‌ای (هیچ‌وقت= ۱، گاهی‌اوقات= ۲، تقریباً بعضی از مواقع= ۳، خیلی از مواقع= ۴ و همیشه=۵) است. حداقل نمره در این آزمون ۳۲ و حداکثر ۱۶۰ است. روایی محتوایی پرسشنامه توسط اساتید و متخصصان ایرانی از قبیل شهامت، ثابتی، رضوانی، آهنگر، شریفی درآمدی و فرج‌زاده (به نقل از منبع ۱۴) تأیید شده است و پایایی پرسشنامه با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس سبک اقتداری ۰/۹۰ و برای خرده‌مقیاس سبک استبدادی ۰/۷۸ و برای خرده‌مقیاس سبک سهل‌گیرانه ۰/۷۰ گزارش شده که ضرایب قابل قبولی به شمار می‌روند (۱۴). در این پژوهش، روایی پرسشنامه با استفاده از همبستگی نمرهٔ هر خرده‌مقیاس با نمرهٔ کل محاسبه شد. در مجموع همهٔ ضرایب در سطح ۰/۰۱ معنادار بودند. ضرایب همبستگی از ۰/۴۸ (استبدادی) تا ۰/۷۶ (اقتداری) متغیر بود. پایایی این پرسشنامه نیز در این پژوهش از طریق آلفای کرونباخ محاسبه گردید که ضرایب آن از ۰/۵۱ (سهل‌گیرانه) تا ۰/۸۵ (اقتداری) متغیر بود.

برای اجرای این پژوهش، در ابتدا جهت اخذ مجوز به سازمان آموزش استثنایی شیراز مراجعه شد وسپس به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چندمرحله‌ای به شرح زیر نمونه‌ها انتخاب شدند و پرسشنامه‌ها را تکمیل کردند. در واقع دو منطقه از چهار منطقهٔ آموزشی شهر شیراز به‌طور تصادفی انتخاب شد. سپس از هر یک از مناطق انتخاب شده یک مرکز به‌طور تصادفی انتخاب شد و پس از هماهنگی‌های لازم با مدیران مراکز انتخاب‌شده، همهٔ والدین دانش‌آموزان آن مراکز به‌عنوان نمونه انتخاب شدند و توضیحات کلی در زمینهٔ اهمیت و ضرورت پژوهش، اهداف تحقیق، نحوهٔ پاسخ‌دهی به سؤال‌ها و ضرورت همکاری صادقانهٔ آن‌ها داده شد. همچنین از آن‌ها خواسته شد تا در صورت تمایل پرسشنامه‌ها را تکمیل کنند. همچنین بر عدم ضرورت ذکر نام و مشخصات و اطمینان از محرمانه‌بودن اطلاعات تأکید شد.

برای تحلیل اطلاعات توصیفی آزمودنی‌ها از شاخص‌های آمار توصیفی مانند فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف استاندارد استفاده شد. همچنین به‌منظور پاسخگویی به سؤال‌های پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون و روش تحلیل رگرسیون چندمتغیره استفاده شد.

۳ یافته‌ها

دامنهٔ سنی دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری ۸ تا ۱۱ ساله با میانگین سنی ۹/۳۶ و انحراف استاندارد ۱/۰۳۳ بود. همچنین جنسیت، تعداد و درصد دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری در جدول ۱ ارائه شده است. شایان ذکر است که جنسیت ۱۳۸ نفر از والدین شرکت‌کننده در پژوهش زن و ۱۲ نفر مرد بود. دامنهٔ سنی والدین دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری ۲۶ تا ۵۴ ساله با میانگین سنی ۳۶/۴۹۴ و انحراف استاندارد ۷/۸۲۳ بود.

جدول ۱. جنسیت، تعداد و درصد دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری

جنسیت	تعداد	درصد
دختر	۶۰	۴۰
پسر	۹۰	۶۰
کل	۱۵۰	۱۰۰

[5]. Conners

[6]. Robinson, Mandleco, Olsen & Hart

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]

به‌منظور بررسی روابط بین متغیرها از ماتریس همبستگی و رگرسیون چندمتغیره استفاده شد که نتایج در جداول ۲ و ۳ ارائه شده است. برای بررسی رابطه بین ابعاد مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری و سبک فرزندپروری والدین از روش آماری ضریب همبستگی پیرسون استفاده گردید، که نتایج این تحلیل به صورت ماتریس همبستگی در جدول ۲ آمده است.

جدول ۲. ماتریس همبستگی بین سه سبک فرزندپروری والدین و چهار بُعد مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری

	متغیرها	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۱	سبک استبدادی	–						
۲	سبک اقتداری	۰/۱۴-	–					
۳	سبک سهل‌گیرانه	۰/۳۱*	۰/۱۷**	–				
۴	مشکلات سلوک	۰/۳۲*	۰/۱۱-	۰/۳۵*	–			
۵	اضطراب‌خجالتی	۰/۱۷**	۰/۰۴۹-	۰/۲۹*	۰/۵۱*	–		
۶	روان‌تنی	۰/۲۰**	۰/۰۰۸	۰/۲۵*	۰/۵۳*	۰/۴۹*	–	
۷	مشکلات اجتماعی	۰/۳۰*	۰/۱۵-	۰/۲۶*	۰/۵۳*	۰/۵۱*	۰/۵۱*	–

$p<۰/۰۱$*

$p<۰/۰۵$**

همان‌طورکه در ماتریس همبستگی مذکور ملاحظه می‌شود از بین چهار بُعد مشکلات رفتاری، بُعد مشکلات سلوک ($p=۰/۰۰۳$، r=۰/۳۱)، اضطراب‌خجالتی ($p=۰/۰۳۲$، r=۰/۱۷)، روان‌تنی ($p<۰/۰۱۸$، r=۰/۲۰) و مشکلات اجتماعی ($p=۰/۰۰۳$، r=۰/۳۰) همبستگی مثبت و معناداری با سبک فرزندپروری استبدادی دارند. در این میان بُعد مشکلات سلوک بیشترین و بُعد اضطراب خجالتی کمترین ضریب همبستگی را با سبک فرزندپروری استبدادی دارد. نتایج همچنین نشان داد که از میان ابعاد مشکلات رفتاری، بُعد مشکلات سلوک، اضطراب‌خجالتی، روان‌تنی و مشکلات اجتماعی همبستگی معناداری با سبک فرزندپروری اقتداری ندارند. افزون‌براین، نتایج برای همبستگی ابعاد مشکلات رفتاری با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه نشان داد، بُعد مشکلات سلوک ($p=۰/۰۰۱$، r=۰/۳۵)، اضطراب‌خجالتی ($p=۰/۰۰۰۳$، r=۰/۲۹)، روان‌تنی ($p=۰/۰۰۴$، r=۰/۲۵)، مشکلات اجتماعی ($p=۰/۰۰۲$، r=۰/۲۶) همبستگی مثبت و معناداری با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه دارد. در این میان بُعد مشکلات سلوک بیشترین و بُعد روان‌تنی کمترین ضریب همبستگی را با سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه دارد.

برای بررسی اینکه میزان مشکلات سلوک، مشکلات اضطراب‌خجالتی، مشکلات روان‌تنی و مشکلات اجتماعی در دانش‌آموزان با ناتوانی‌های یادگیری به‌وسیلهٔ انواع سبک‌های فرزندپروری والدین قابل پیش‌بینی است، از روش آماری رگرسیون چندمتغیره به‌صورت همزمان استفاده گردید. به‌طوری‌که هر یک از سبک‌های فرزندپروری به‌عنوان متغیرهای پیش‌بین و هر یک از ابعاد مشکلات رفتاری به‌عنوان متغیر ملاک در نظر گرفته شد. نتایج رگرسیون چندمتغیره برای تعیین عوامل پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات رفتاری در جدول ۲ آمده است.

جدول ۳. نتایج رگرسیون هم‌زمان برای پیش‌بینی مشکلات رفتاری براساس سبک فرزندپروری

متغیر ملاک / شاخص‌ها	متغیرهای پیش‌بین	F	مقدار p	R^2	B	Beta	T	مقدار p
مشکلات سلوک	سبک استبدادی				۰/۲۴	۰/۲۰	۲/۵۳	<۰/۰۰۱
	سبک اقتداری	۱۱/۸۱		۰/۱۹	۰/۱۱-	۰/۱۴-	۱/۸۴	۰/۰۵۷
	سبک سهل‌گیرانه				۰/۷۳	۰/۳۱	۳/۹۳	<۰/۰۰۱
مشکلات اضطراب‌خجالتی	سبک استبدادی				۰/۰۳	۰/۷۰	۰/۸۲	۰/۴۱۱
	سبک اقتداری	۵/۵۳		۰/۱۰	۰/۰۲-	۰/۰۸-	۱/۰۸	۰/۲۷۸
	سبک سهل‌گیرانه				۰/۲۷	۰/۲۸	۳/۴۰	۰/۰۰۱
مشکلات روان‌تنی	سبک استبدادی				۰/۰۸	۰/۱۳	۱/۵۳	۰/۱۱۶
	سبک اقتداری	۴/۲۳		۰/۰۸	۰/۰۰۴-	۰/۰۱-	۰/۱۱	۰/۸۹۱
	سبک سهل‌گیرانه				۰/۲۶	۰/۲۱	۲/۴۷	۰/۰۰۱
مشکلات اجتماعی	سبک استبدادی				۰/۱۵	۰/۲۱	۲/۵۴	۰/۰۰۴
	سبک اقتداری	۸/۴۵		۰/۱۴	۰/۰۸-	۰/۱۶-	۲/۰۷	۰/۰۳۶
	سبک سهل‌گیرانه				۰/۳۱	۰/۲۲	۲/۶۹	۰/۰۰۳

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]

همان‌طور که در جدول ۲ ملاحظه می‌شود، نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که سبک فرزندپروری استبدادی (p<۰/۰۰۱، t=۲/۵۳، Beta=۰/۲۰) و سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه (p<۰/۰۰۱، t=۳/۹۳ Beta=۰/۳۱) به‌صورت مثبت و معنادار مشکلات سلوک را پیش‌بینی می‌کنند (p<۰/۰۰۱، F=۱۱/۸۱، $\mathbf{R^2}$=۰/۱۹). این متغیرها در مجموع ۱۹درصد از واریانس نمرات مشکلات سلوک را تبیین می‌کنند. مقایسهٔ ضرایب بتا نشان داد مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات سلوک، سبک سهل‌گیرانه است. همچنین، فقط سبک سهل‌گیرانه (p=۰/۰۰۱، t=۳/۴۰، Beta=۰/۲۸) به‌صورت مثبت و معنادار بُعد مشکلات اضطراب‌خجالتی را پیش‌بینی می‌کند (p=۰/۰۰۱، F=۵/۵۳، $\mathbf{R^2}$=۰/۱۰). این متغیر در مجموع ۱۰درصد از واریانس نمرات مشکلات اضطراب‌خجالتی را تبیین می‌کند.

براساس نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون فقط سبک سهل‌گیرانه (p=۰/۰۰۱ ، t=۲/۴۷، Beta=۰/۲۱) به‌صورت مثبت و معنادار بُعد مشکلات روان‌تنی را پش‌بینی می‌کند (p=۰/۰۰۱، F=۴/۲۳، $\mathbf{R^2}$=۰/۰۸۰). این متغیر در مجموع ۸درصد از واریانس نمرات مشکلات روان‌تنی را تبیین می‌کند. سرانجام نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که سبک استبدادی (p=۰/۰۰۴، t=۲/۵۴، Beta=۰/۲۱)، سبک اقتداری (p=۰/۰۳۶، t=-۲/۰۷، ۰/۱۶ـ Beta=) و سبک سهل‌گیرانه (p=۰/۰۰۳، t=۲/۶۹، Beta=۰/۲۲) به‌صورت معناداری بُعد مشکلات اجتماعی را پیش‌بینی می‌کنند (p=۰/۰۰۳، F=۸/۴۵، $\mathbf{R^2}$=۰/۱۴). بدین‌صورت که سبک استبدادی و سهل‌گیرانه به‌صورت مثبت و معنادار و سبک اقتداری به‌صورت منفی و معنادار بُعد مشکلات اجتماعی را پیش‌بینی می‌کند. این متغیرها در مجموع ۱۴درصد از واریانس نمرات مشکلات اجتماعی را تبیین می‌کنند. مقایسهٔ ضرایب بتا نشان داد که مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات اجتماعی، سبک سهل‌گیرانه است.

۴ بحث

نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و سبک فرزندپروری استبدادی پیش‌بینی‌کنندهٔ مثبت و معنادار مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری هستند. همچنین بین سبک اقتداری و مشکلات رفتاری در این گروه از دانش‌آموزان رابطه معنادار نبود. این یافته با یافته‌های رینالدی و هو (۱۵)، و جاوو و همکاران (۱۱) همسو است. در تبیین همبستگی مثبت و معنادار بین سبک فرزندپروری استبدادی والدین و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری می‌توان گفت والدینی که کودکان با اختلال‌های رفتاری دارند، رفتارهای امری بیشتری دارند، بیشتر مخالفت می‌کنند، پاداش‌های کمتری به رفتارهای مطیع کودک می‌دهند و پاداش‌های آن‌ها بیشتر جنبهٔ اتفاقی دارد (۱۶). همچنین در تبیین این یافته‌ها می‌توان گفت اغلب دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری متعلق به خانواده‌هایی هستند که در طی دوران رشد خود پیوندهای عاطفی لازم با والدین خود ندارند. به سخن دیگر این کودکان از نظر ارتباطات عاطفی‌ـ روانی با والدین‌شان، خاطرات و تجارب مطلوبی ندارند. این دانش‌آموزان در بسیاری از موارد از سوی والدین خود سرزنش، تحقیر، و گاهی تنبیه بدنی می‌شوند (۱۷).

همچنین یافته‌های این پژوهش مبنی‌بر اینکه بین سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد با یافته‌های پژوهش رینالدی و هو (۱۵) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان بیان کرد که بی‌توجهی و سردی والدین در سبک سهل‌گیرانه، مانع شکل‌گیری عواطف مثبت بین والد و فرزند می‌شود و بسیاری از رفتارها و مهارت‌های کودک تقویت نمی‌شود. درواقع فرزندان والدین دارای سبک سهل‌گیرانه، انگیزهٔ لازم برای رفتار مناسب در محیط را نداشته و به‌سمت رفتارهای نامناسب می‌روند. البته یافته‌های پژوهش حاضر با یافته‌های علیزاده و همکاران (۱۸) ناهمسوست. شاید عدم همسویی با پژوهش ذکرشده به‌دلیل تفاوت در جامعه آماری است. زیرا پژوهش فوق دربارهٔ والدین با کودک عادی انجام شده و نشان می‌دهد که والدینی که کودک عادی دارند، بیشتر از سبک اقتداری استفاده می‌کنند. ولی در پژوهش حاضر جامعهٔ مطالعه‌شده، والدین با کودک با ناتوانی یادگیری بود و می‌توان اینگونه بیان کرد که والدین دانش‌آموزان ناتوانی یادگیری، کمتر از سبک فرزندپروری اقتداری استفاده می‌کنند.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد که مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات سلوک در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری سبک سهل‌گیرانه والدین‌شان است که به‌صورت مثبت و معنادار مشکلات سلوک را پیش‌بینی می‌کند. این یافته با یافته‌های فینزی‌دوتان و همکاران (۱۲) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که فرزندان خانواده‌های استبدادی به‌دلیل وجود الگوی رفتاری نامناسب ممکن است برخی رفتارها و مشکلات سلوک را به‌صورت تقلیدی و جانشینی بیاموزد. زیرا در این الگو والدین، کودک را به‌خاطر رفتار اشتباهش تنبیه می‌کنند ولی هیچ توضیحی به او نمی‌دهند و هر رفتار اشتباه کودک با برخورد تند و همراه با خشونت والدین همراه است.

افزون بر این یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که فقط سبک سهل‌گیرانه به‌صورت مثبت و معنادار بُعد مشکلات اضطراب‌خجالتی را در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری پیش‌بینی می‌کند. این یافته با یافته‌های یونگ و همکاران (۱۹) همسو است و یافته‌های یکدیگر را تأیید می‌کنند. در تبیین این یافته می‌توان گفت که والدینی که در تربیت فرزندان‌شان از سبک سهل‌گیرانه استفاده می‌کنند، برخورد کلامی اندکی با فرزندان‌شان دارند، نظارتی بر رفتارهای آن‌ها انجام نمی‌دهند و بازخوردی به آن‌ها نمی‌دهند. ازاین‌رو وقتی فرزندان‌شان در جامعه قرار می‌گیرند، دچار مشکلات اضطراب‌خجالتی می‌شوند.

همچنین یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که فقط سبک سهل‌گیرانه به‌صورت مثبت و معنادار بُعد مشکلات روان‌تنی را در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری پیش‌بینی می‌کند. این یافته با یافته‌های ناگانو و همکاران (۲۰) همسو است. در تبیین این یافته می‌توان گفت که چون والدینی که سبک سهل‌گیرانه دارند به فرزندان خود کمتر توجه می‌کنند، خود را در تربیت فرزندان درگیر نمی‌کنند و کنترل و مراقبت بر اعمال آن‌ها ندارند، ازاین‌رو بیشتر احتمال دارد که فرزندان‌شان به بیماری‌های جسمی که ناشی از علل

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]

روانی باشد، مبتلا گردند.

همچنین یافته‌های این پژوهش نشان داد سبک استبدادی و سبک سهل‌گیرانه به‌صورت مثبت و معنادار و سبک اقتداری به‌صورت منفی و معنادار بُعد مشکلات اجتماعی را در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری پیش‌بینی می‌کنند. افزون بر این مشخص شد که مهم‌ترین عامل پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات اجتماعی سبک سهل‌گیرانه است. این یافته‌ها با یافته‌های ویتنبورن (۱۷)، همسو است. در تبیین رابطهٔ مثبت و معنادار سبک استبدادی با مشکلات اجتماعی در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری می‌توان گفت که والدین دارای سبک استبدادی معتقد به پذیرش بی چون‌وچرای تصمیمات و قوانین‌شان از جانب فرزندان‌اند. در چنین شرایطی فرزندان، فرهنگ دیکته‌شدن و دیکته‌کردن را می‌آموزند نه فرهنگ گفت‌وگو و تفاهم را. همچنین در تبیین رابطهٔ مثبت و معنادار سبک سهل‌گیرانه با مشکلات اجتماعی در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری می‌توان گفت از آنجا که والدین سهل‌گیر هیچ‌گونه نظارتی بر روی کودکان خود ندارند، این کودکان در کنترل تکانه و تشخیص ارزش‌ها از ضدارزش‌ها مشکل دارند و مرتکب مشکلات اجتماعی و رفتارهای بزهکارانه و پرخاشگرانه می‌گردند (۱۸). افزون‌براین، در تبیین رابطهٔ منفی و معنادار سبک اقتداری مشکلات اجتماعی در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری می‌توان گفت که در این سبک والدین الگوی کارآمدتر و مؤثرتری برای فرزندان‌شان هستند، پاسخ‌دهی بالایی دارند، خودمختاری فرزندشان را می‌پذیرند، افکار نقادانه را تشویق می‌کنند و روابط دوسویه بین والدین و فرزندان برقرار است. در چنین شرایطی مهارت‌های اجتماعی افزایش یافته و مشکلات اجتماعی کاهش می‌یابد (۱۵).

فقدان بررسی سبک‌های فرزندپروری از دیدگاه خود دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری، از محدودیت‌های پژوهش حاضر بود. تدوین برنامه‌هایی جهت آگاهی‌دادن به والدین در زمینهٔ تأثیر هر یک از شیوه‌های فرزندپروری استبدادی، اقتداری و سهل‌گیرانه در شکل‌گیری رفتار و شخصیت دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری بسیار ضروری است. همچنین پیشنهاد می‌شود کارگاه‌های آموزشی سبک فرزندپروری اقتداری و نقش آن در کاهش مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری برای والدین این دانش‌آموزان برگزار گردد.

۵ نتیجه‌گیری

نتایج نشان داد که سبک فرزندپروری سهل‌گیرانه و سبک فرزندپروری استبدادی پیش‌بینی‌کنندهٔ مشکلات رفتاری دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری هستند؛ بنابراین می‌توان گفت که احتمالاً یکی از دلایل اصلی مشکلات رفتاری در دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری به‌دلیل استفادهٔ والدین از سبک فرزندپروری استبدادی و سهل‌گیرانه است. همچنین بین سبک اقتداری و مشکلات رفتاری در این گروه از دانش‌آموزان رابطهٔ معنادار نبود و این نشان‌دهندهٔ لزوم به‌کارگیری این سبک فرزندپروری در والدین دانش‌آموزان با ناتوانی یادگیری است.

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]

References

1. Shokoohi Yekta M, Parand A. Learning disabilities. Tehran: Tbib;2007. [Persian][Link]
2. Ahadi H, Kakavand A. Learning disability. Tehran: Arasbaran; 2010.[Persian][Link]
3. Hallahan DP, Lloyd JW, Kauffman JM, Weiss MP, Martinez EA. Learning disabilities: Foundations, characteristics, and effective teaching. Boston Pers Educ. 2005;686:195–221.[Link]
4. Dyson LL. Children with Learning Disabilities within the Family Context: A Comparison with Siblings in Global Self–Concept, Academic Self–Perception, and Social Competence. Learn Disabil Res Pract. 2003;18(1):1–9.[Link]
5. Taklavi S. Training mothers in play therapy and its effects on the behavior problems of learning disabled children. 2011;1(1):44–59.[Link]
6. Shahim S. Comparison of social skills and behavior problems in two groups of normal children with learning problems at home and school. J Psychol Educ Sci. 2005;33(1):121–138. [Persian][Link]
7. Beh Pajooh A. Family and children with special needs. Tehran: Avaye noor; 2013.[Persian][Link]
8. Gau SS-F, Chiu Y-N, Soong W-T, Lee M-B. Parental characteristics, parenting style, and behavioral problems among Chinese children with Down syndrome, their siblings and controls in Taiwan. J Formos Med Assoc. 2008;107(9):693–703.[Link]
9. Razavi A, Mahmoodi M, Rahimi M. Investigating relationship between Marital Satisfaction and parenting style of parents have children with behavioral problems in elementary school. Journal of research and family. 2008;2(4),73-90.[Persian][Link]
10. Wittenborn M. The relations between parenting styles and juvenile delinquency. 2002;5:1–23. [Link]
11. Javo C, Ronning JA, Heyerdahl S, Rudmin FW. Parenting correlates of child behavior problems in a multiethnic community sample of preschool children in northern Norway. Eur Child Adolesc Psychiatry. 2004;13(1):8–18.[Link]
12. Finzi-Dottan R, Bilu R, Golubchik P. Aggression and conduct disorder in former Soviet Union immigrant adolescents: The role of parenting style and ego identity. Child Youth Serv Rev. 2011;33(6):918–926.[Link]
13. Shahim S, Yousefi F, Ghanbari M. Psychometric characteristics of Quay-Peterson revised behavior problem checklist. Iran J Psychiatry Clin Psychol. 2008;13(4):350–358.[Persian][Link]
14. Hoseyni N, Ahghar GH, Akbari A, Sharfi N. Research questioner in psychology, counseling, education and sociology. Tehran: Sokhan;2008. [Persian][Link]
15. Rinaldi CM, Howe N. Mothers' and fathers' parenting styles and associations with toddlers' externalizing, internalizing, and adaptive behaviors. Early Child Res Q. 2012;27(2):266–273.[Link]
16. Reebye P. Affect Regulation and the Development of Psychopathology. Can Child Adolesc Psychiatry Rev. 2003;12(1):21–2.[Link]
17. Afrooz G. Introduction to psychology and education of exceptional children. In: Introduction to psychology and education of exceptional children. Tehran: Tehran University Pub; 2010. p. 140–99. [Persian][Link]
18. Alizadeh S, Talib M, Rohani A, Mariani M. Relationship between parenting style and children's behavior problems. Asian Soc Sci. 2011;7(12):195-200.[Link]
19. Young BJ, Wallace DP, Imig M, Borgerding L, Brown-Jacobsen AM, Whiteside SP. Parenting behaviors and childhood anxiety: A psychometric investigation of the EMBU-C. J Child Fam Stud. 2013;22(8):1138–1146.[Link]
20. Nagano J, Kakuta C, Motomura C, Odajima H, Sudo N, Nishima S, et al. The parenting attitudes and the stress of mothers predict the asthmatic severity of their children: a prospective study. Biopsychosoc Med. 2010;4(1):12.[Link]

[Downloaded from jdisabilstud.org on 2026-11-05]

[DOR: 20.1001.1.23222840.1396.7.0.9.7]